

نابرابری‌های جنسیتی و طبقاتی در اندیشه‌ی پروین اعتصامی

ابوالفضل ذوالفقاری*، مسلم میرزایی**

چکیده: پروین اعتصامی شاعری است که از دوران نوجوانی با بهره‌گیری هنرمندانه از نظم و ادبیات فارسی، به انتقاد از شرایط موجود و بیان کاستی‌های جامعه خویش می‌پردازد، دیوان اشعارش به عنوان تنها یادگار از او، سرشار از مناظره‌ها، تمثیل‌ها و کنایه‌ها با مضامین اجتماعی است. در این مقاله به بررسی جامعه‌شناختی نابرابری‌های اجتماعی و طبقاتی از نگاه پروین اعتصامی پرداخته و سعی در معرفی اجمالی دیدگاه او در این مورد می‌شود. همچنین از شرایط سیاسی و اجتماعی که پروین از آن‌ها متأثر بوده صحبت شده و از نگاه او به زن و نظریه‌اش در باب رهایی زنان و ظلم ستیزی پروین، مطالبی ارایه می‌شود. **واژه‌های کلیدی:** نابرابری اجتماعی، نابرابری طبقاتی، نابرابری جنسیتی، فمینیست.

مقدمه

نابرابری اجتماعی به موقعیت‌های نابرابر بین افراد اشاره دارد که می‌تواند سیاسی، اقتصادی و فرهنگی باشد. نابرابری اجتماعی بنیان‌های متعددی می‌تواند داشته باشد. عده‌ای از محققان معتقدند که بنیان‌های اصلی نابرابری، تفاوت‌های فردی در توانایی‌های ذاتی و انگیزه و تمایل به سخت‌کوشی است. دیدگاه دیگر معتقد است نابرابری در اصل مبتنی بر تفاوت‌هایی است که جامعه در رفتار و برخورد افراد بین آن‌ها قائل می‌شود. علت این فرق‌گذاری مشخصه‌هایی هم‌چون طبقه‌ی اجتماعی، اقتصادی، نژاد، قومیت و جنس است (کمالی، ۱۳۷۹). بنابراین نابرابری اجتماعی تصدی موقعیت‌های نابرابر اجتماعی و ساختاری، دسترسی به منابع و مزایای اجتماعی کمیاب از قبیل ثروت، قدرت و منزلت از سوی افراد گروه‌هاست که به نوبه‌ی خود بر حقوق، فرصت‌ها، پاداش‌ها و امتیازات آن‌ها اثر تعیین‌کننده دارد (افروغ، ۱۳۷۷: ۱۶۰).

zolfaghariab@gmail.com

mirzaei1400@gmail.com

* استادیار گروه جامعه‌شناسی دانشگاه شاهد

** دانشجوی کارشناسی‌ارشد دانشگاه شاهد

تاریخ دریافت: ۱۳۸۹/۰۳/۱۷ تاریخ پذیرش: ۱۳۸۹/۰۹/۲۳

۲۰ زن در فرهنگ و هنر (پژوهش زنان)، دوره ۲، شماره ۳، بهار ۱۳۹۰

درباره‌ی نابرابری نظریه‌های گوناگونی بیان شده است مثلاً مارکس مالکیت خصوصی را منشأ نابرابری اجتماعی و روابط تولیدی - یعنی رابطه‌ی انسان با ابزار تولید - را عامل نابرابری می‌داند (همان). جان رالز نابرابری‌هایی که بر سر آنها وفاق وجود داشته باشد را عین عدالت می‌داند.

فمینیست‌ها برای نابرابری‌ها ریشه‌ای فمینیستی قائل‌اند (ابوت و والاس، ۱۳۸۳: ۳۹). فمینیست‌ها از این نقطه آغاز می‌کنند که زنان سرکوب می‌شوند. اقتدار مردان آزادی عمل را محدود می‌کند چون مردان امکانات اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی بیشتری را در اختیار خود دارند (همان: ۳۱). بنابراین نظریات فمینیستی به بررسی رابطه‌ی فرد با ساختار اجتماعی، ارتباط تجربیات زندگی روزمره‌ی زنان با ساختار جامعه‌ای که در آن به سر می‌برند و ارتباط اقتدار مردان در مناسبات شخصی و شیوه‌ی نهادینه شدن این اقتدار در جامعه می‌پردازند (همان: ۳۱).

در مورد نابرابری‌های اجتماعی در جامعه‌شناسی دو نظریه: ۱- نظریه‌ی کارکردگرایی و ۲- نظریه ستیز یا تضاد، وجود دارد. نظریه‌پردازان کارکردگرایی از وجه جهانی و همیشگی نابرابری نتیجه می‌گیرند که نابرابری وجه اساسی هر سازمان اجتماعی است و ضرورتی کارکردی است که در جهت کارکرد مؤثر جامعه نقش ایفاء می‌کند. نظریه‌پردازان ستیز به دو دسته انتقادی و تحلیلی تقسیم می‌شوند: دسته انتقادی که جامعه‌ای بدون زمینه‌های اجتماعی ستیز را دنبال می‌کنند و نظریه‌پردازان تحلیلی مانند دارندورف و کالینز که اساس نابرابری‌ها را اجتناب‌ناپذیر و پایدار می‌داند (افروغ، ۱۳۷۷: ۱۷۲).

در مورد پروین باید بگوییم که؛ پروین شاعری انسانگراست و اندیشه‌های انسانی را با شیوه‌ای بدیع و آمیخته با احساس و عاطفه در قالب نظم در آورده است (فلاحی، ۱۳۷۴: ۳). وی شاعر مردم است و مردم فقیر و ستم‌دیده‌اند بنابراین وی نیز از فقر می‌سراید، از محرومیت، از نابرابری اجتماعی و قشرهای ضعیف جامعه سخن می‌گوید. شهریار در مورد او می‌گوید که «پروین شعرش نه برای دل خود یا برای صله‌ی حکام بلکه شعرش برای مردم و روایت‌گر زندگی مردم عصر خود است و چیزی جز عافیت جامعه‌ی خود آرزو ندارد» (مؤید، ۱۳۶۶). بنابراین وی شاعری است که در اشعار خود هرگز نتوانسته است از زمینه‌ی اجتماعی و از جامعه‌ی خودش فاصله بگیرد و تا مادامی که چنین شرایط اجتماعی برقرار باشد اشعار این شاعر بزرگ برقرار و زنده است.

نابرابری‌های جنسیتی و طبقاتی در اندیشه‌های پروین اعتصامی ۲۱

در این مقاله هدف آن بوده است تا با کنکاش جامعه‌شناسانه گذری بر دوره‌ای از تاریخ کشورمان و شرایط آن دوره‌ی زمانی و بازتاب آن شرایط به خصوص از جنبه‌ی اجتماعی در اشعار شاعری روشن‌فکر به نام پروین داشته باشیم.

زندگی‌نامه‌ی پروین

رخشنده اعتصامی متخلص به پروین در سال ۱۲۸۵ هـ. ش در تبریز متولد شد، وی در کودکی همراه خانواده به تهران آمد، فارسی و عربی را نزد پدر آموخت (راوندی، ۱۳۷۴) و به پیشنهاد پدرش برای آموختن زبان انگلیسی وارد کالج آمریکایی تهران شد و در سال ۱۳۰۳ این دوره را به پایان رسانید (یا حقی، ۱۳۸۵: ۱۴۶).

پدر پروین (یوسف اعتصام‌الملک آشتیانی) مردی صاحب‌فکر و از روشن‌فکران دوره‌ی خودش بود. منزل وی محفل ادبا و میعادگاه دانش‌پژوهان و سخنوران بود. همین رفت‌وآمدها و سعه‌ی صدری که پدر در آزاد گذاشتن پروین در این معاشرت‌ها داشت به پروین فرصت داد تا استعداد شاعریش را شکوفا کند (شریعت، ۱۳۶۶).

پروین در سال ۱۳۱۳ هـ. ش ازدواج ناموفقی داشت و زندگی زناشویی وی بیش از دوماه دوام نیاورد. وی در مورد این جدایی چنین می‌سراید:

ای گل تو ز جمعیت گلزار چه دیدی
جز سرزنش و بدسری خار چه دیدی
ای لعل دل افروز، تو با این همه پرتو
جز مشتری سقله به بازار چه دیدی
رفتی به چمن لیک قفس گشت نصیبت
غیر از قفس ای مرغ گرفتار چه دیدی

(دیوان پروین، ۱۳۸۴).

وی پس از فراغت از تحصیل، مدتی در مدرسه به تدریس مشغول شد و در اوایل سال ۱۳۱۵ هـ. ش چندی به عنوان کارمند کتابخانه‌ی دانشسرای عالی (دانشگاه تربیت معلم فعلی) به خدمت پرداخت و پس از آن نیز معاونت همین کتابخانه به عهده‌ی او گذارده شد (حائری، ۱۳۷۱: ۱۷).

چون آوازه‌ی نجابت، اصالت، مقام‌الای شعر و شاعری پروین و استادی در ادبیات فارسی و انگلیسی او به گوش رضاشاه رسید، دستور داد که او به دربار بیاید و ندیمه‌ی ملکه و استاد فرزندان شاه شود؛ ولی پروین نپذیرفت (همان).

۲۲ زن در فرهنگ و هنر (پژوهش زنان)، دوره ۲، شماره ۳، بهار ۱۳۹۰

پروین سرانجام در سال ۱۳۲۰ ه. ش بر اثر بیماری حصبه در سن سی و پنج سالگی در گذشت (یا حقی، ۱۳۸۵: ۱۴۷).

زمینه‌ی سیاسی و اجتماعی

همان‌طور که کارل مانهایم می‌گوید «اندیشه از زمینه‌ی اجتماعی خود مستقل نیست» (کوزر، ۱۳۸۳: ۵۵۶). بنابراین اگر بخواهیم بازتاب ابعاد نابرابری‌های اجتماعی را در اشعار پروین بررسی کنیم باید قبل از هر چیز، گذری بر شرایط سیاسی و اجتماعی دوران زندگی پروین، داشته باشیم.

پانزده سال از دوران زندگی پروین در دوران قاجار قرار دارد، هم‌زمان با تولد پروین فرمان مشروطه پس از سال‌ها نهضت عدالت‌طلبی صادر شد- هر چند که اندکی بعد، با به توپ بستن مجلس شورای ملی نوپا، دوران استبداد صغیر آغاز شد- بنابراین پس از چند سال جنگ داخلی و انقلاب مسلحانه، مشروطه‌خواهان به پیشرفت‌هایی در مقابل شاه خودکامه دست یافتند اما دولت قانونی و مجلسی ملی در مقابل دخالت‌های مستقیم دولت‌ها و ارتش‌های بیگانه کاری از پیش نمی‌برد. قوای روس و انگلیس در ایران برای خود مناطق نفوذ تعیین می‌کردند. نیروهای مختلف ایرانی؛ آزادی‌خواه، دموکرات‌ها، سلطنت‌طلب و عشایر و ایلات به طرفداری و تحت حمایت این یا آن نیروی بیگانه با هم می‌جنگیدند. جنگ و آشوب و ناامنی، بیماری و قحطی و مرگ می‌آورد. اما همین هرج و مرج و عدم وجود دولت متمرکز خودکامه، به آزادی‌خواهان و روشن‌فکران اجازه‌ی اندیشیدن و ابراز وجود می‌داد. در جریان جنبش مشروطه با همه فعالیت‌هایی که با هر گونه ابداع و ابتکار و تخلف از سنن قدیم صورت می‌گرفت، خواهناخواه به اقتضای زمان، بعضی اندیشه‌ها و مضامین نو در اذهان و افکار مردم راه یافت مانند حمایت از ایران انقلابی، مبارزه با استبداد شاه و اطرافیان او، ستایش میهن، مخالف با جهان‌خواران امپریالیست و بحث انتقادی از خرافات و تعصبات جاهلانه و لزوم تعمیم فرهنگ و گاهی صحبت از محرومیت و عقب‌ماندگی زنان و مشکلات دیگر از این قبیل در عالم ادبیات فارسی جلوه‌گری می‌کرد (راوندی، ۱۳۷۴: ۳۸۳).

بقیه زندگی پروین در دوره‌ی پهلوی اول است، در این دوره رضاشاه توانست بر اوضاع مملکت تسلط پیدا کند و دوره‌ای با ثبات سیاسی و نظامی در کشور شکل داد. حوادث مهم این دوره سرکوب و خفقان عمومی، دستور کشف حجاب، اعطای نشان درجه‌ی سه کشوری به پروین و نپذیرفتن آن و پیشنهاد کار معلمی در دربار و رد این پیشنهاد توسط پروین، ازدواج پروین و شکست در این ازدواج، از مهم‌ترین وقایعی است که پروین را تحت تأثیر قرار می‌داده و این حوادث در بعضی از اشعار وی نمایان است.

نابرابری‌های جنسیتی و طبقاتی در اندیشه‌های پروین اعتصامی ۲۳

در این مورد باید در نظر داشت که خفقان حاکم بر جو سیاسی کشور و محیط اجتماعی آن روزگار برای شکوفایی استعداد زنی جوان چون پروین چندان سازگار نبود است.

در آن دوران حضور زنان در اجتماع بیشتر به خواب و رویایی تعبیرناشدنی شباهت داشت و تعلیم و تربیت منحصر به مکتب‌خانه‌های آن زمان و انحصاراً مخصوص جنس مذکر بود (چاوش‌اکبری، ۱۳۷۸).

در چنین شرایط سیاسی و اجتماعی حاکم بر جامعه، پروین روشن‌فکری است که وظیفه‌ی خویش را آشکار ساختن ماهیت نابرابری‌های جنسیتی و انتقاد از روابط حاکمان با مردم و به طور کلی فاش نمودن روابط استثمار در جامعه و به حرکت در آوردن توده‌ها می‌داند و در ابیاتی خطاب به خود چنین سروده است:

هر نکته‌ای دانی بگو پروین

تا نیروی گفتار در زبان است

حقیقت گو شو پروین چه ترسی

نشاید بهر باطل حق نهفتن

و یا در جایی دیگر می‌گوید:

وقت سخن مترس و بگو آن چه گفتنی است

شمشیر روز معرکه زشت است در نیام

(دیوان پروین، ۱۳۸۴: ۵۶)

کنکاش‌های جامعه‌شناسانه در اشعار پروین اعتصامی با هدف پیگیری نگاه وی به عنوان یک روشن‌فکر در مورد نابرابری‌های اجتماعی موجود در جامعه، ما را به دو دسته نابرابری رهنمون می‌سازد که عبارتند از: نابرابری‌های جنسیتی و نابرابری‌های طبقاتی.

الف- نابرابری‌های جنسیتی: البته توجه به این نوع نابرابری در اشعار پروین نسبت به نوع بعدی کم‌رنگ‌تر جلوه نموده و می‌توان شرایط اجتماعی را بر آن مؤثر دانست که در ادامه‌ی بحث مطرح خواهد شد. بنابراین در این مورد پروین با فمینیست‌ها که می‌گویند زنان در فرودست قرار دارند و برای رهایی زن‌ها باید فکر و تلاش کرد، هم عقیده است.

ب- نابرابری‌های طبقاتی: که تحت تأثیر زمینه‌ی سیاسی و اجتماعی که خود وی در آن می‌زیسته است، قرار دارد. پروین به وضوح این نوع نابرابری را در جامعه‌ی خودش احساس کرده و قطعات و قصایدی را در توصیف این نوع نابرابری‌ها سروده است و در نهایت راه‌هایی از آن را هم پیشنهاد داده است.

جلوه‌های نابرابری جنسیتی

نابرابری جنسیتی مقوله‌ای است که از آغاز سده‌ی دهم تاریخ تاکنون هم‌راه بشریت وجود داشته است و هر زمان و در شرایط و فرهنگ‌های مختلف به گونه‌ای مطابق با آن شرایط و فرهنگ جلوه نموده است

بنابراین برابری و نابرابری جنسیتی از یک جامعه به جامعه دیگر و از یک فرهنگ تا فرهنگ دیگر متفاوت است (ابوت و کلر، ۱۳۷۶). در طول تاریخ عموماً مردان جنس مسلط و زنان تابع آنان بوده‌اند. معمولاً زنان و مردان این نابرابری‌ها را به عنوان وضع طبیعی امور در نظر داشته‌اند و این نظر را به عنوان بخشی از فرهنگ خود از نسلی به نسل دیگر منتقل کرده‌اند (کوئن، ۱۳۸۶). بر این اساس فمینیست‌ها مهم‌ترین مسئله‌ی جامعه را سرکوب زنان می‌دانند و معتقداند که اقتدار مردانه، آزادی زنانه را محدود می‌کند زیرا مردان امکانات اقتصادی و سیاسی و اجتماعی را در تملک خود دارند (ابوت و والاس، ۱۳۸۳: ۳۱). فمینیست‌های لیبرال نسبت به گرایش‌های دیگر فمینیست، سابقه‌ی طولانی‌تری دارند و نابرابری حقوق مدنی و فرصت‌های آموزشی را سرچشمه‌ی ستم بر زنان می‌دانند و مبارزه برای کسب آزادی‌های فردی زنان در چهارچوب جامعه‌ی موجود را هدف قرار داده‌اند (همان). فمینیست‌های رادیکال هم، همه‌ی شکل‌های ستم و سلطه بر زنان را ناشی از برتری‌جویی مردان می‌انگارند و هدف خود را جایگزین کردن جامعه‌ی زن‌سالار به جای جامعه‌ی مردسالار می‌دانند. فمینیست‌های مارکسیست و سوسیالیست رشد انقیاد زنان را در شیوه‌ی تولید سرمایه‌داری و جدایی کار از خانه که به تقسیم کار جنسیتی انجامیده، معرفی می‌کنند و دگرگونی‌های بنیادی اقتصادی را چاره‌ی رنج و ستم‌دیدگی زنان می‌دانند (همان).

در تفکرات پروین رگ و ریشه‌ی توجه به جنس زن و زنان، به عنوان یک قشر انسانی و این که آن‌ها می‌توانند منشأ بسیاری از آگاهی‌ها و آزاداندیشی‌ها باشند نمایان است. این موضوع اشاره به این بینش فمینیست‌ها دارد که جنسیت را نیز باید مانند طبقه و نژاد متغیری تبیین‌گر دانست (همان) و این که تفاوت‌های ناشی از جنس نباید باعث سوگیری‌های جنسیتی گردد^۱.

هر کس در شعر پروین به‌خصوص در قصاید و مناظره‌هایش دقت کند درمی‌یابد که با جلوه‌ی مردانه در این میدان وسیع «هنر و ادبیات» شاید نخستین زنی باشد که فاصله‌ی ارزش اجتماعی «زن و مرد» را از بین برده و مردان و حتی بزرگان شعر و ادب را وادار کرده تا متواضع باشند و بر این اصل تأکید داشت که ادبیات و هنر در انحصار مردان نیست (چاوش‌اکبری، ۱۳۷۸: ۱۹۶-۱۹۵) و تفاوت‌هایی که وجود دارد،

^۱ به این نکته بایستی توجه داشت که مفهوم جنس و جنسیت در مواردی مترادف هم به کار می‌روند. در حالی که بسیاری از دانشمندان علوم اجتماعی بین جنس (که دارای بُعد صرفاً ساقی و طبیعی است) و جنسیت (که از ابعاد اجتماعی برخوردار است) تمایز قائل می‌شوند این تمایز از سوی بسیاری از صاحب‌نظران فمینیست پذیرفته شده است.

نابرابری‌های جنسیتی و طبقاتی در اندیشه‌های پروین اعتصامی ۲۵

تفاوت ناشی از جنسیت است نه حاصل جنس یا همان مردانگی یا زنانگی که جامعه به مرد و زن نسبت می‌دهد (ابوت و والاس، ۱۳۸۳).

پروین حماسه‌ی زن را به عرفان عاطفی زن تبدیل کرده است و بیشتر اهتمام او متوجه نمایش روح عرفانی و عاطفی زن است او که آرزوی رهایی انسان را از قید جهل و نادانی در دل می‌پروراند و آراستگی به فضل و دانش را برترین وسیله‌ی رهایی انسان می‌داند و چون در دوران زندگی وی امکانات تحصیلی برای مردان هم بی‌نهایت کم بود، چه برسد برای زنان، در چنان محیطی پروین با وجود این که کمتر از بیست سال داشت در میدان با جهل کمتر از یک قهرمان واقعی نبود. او در جشن فراغت تحصیل خود جهل را بیماری و علم و دانش را نسخه شفابخش تشخیص داد است.

پروین در قالب اشعارش به سیمای زن به عنوان «رکن خانه‌ی هستی»، «پدیدآورنده‌ی محبت»، «فزاینده و پروراننده‌ی مردان بزرگ»، «گهواره‌ی جنبان حکیمان و دانا مردان»، «نخستین مربی و آموزگار»، «طیب و پرستار و نگهبان خانه و خانواده و تیمارداری و حامی و پیشتیبانی مرد» نگاه می‌کند (دامادی، شماره ۲۱۲: ۳).

پروین در این اشعار به دفاع از حقوق زن می‌پردازد و از نظریه‌ی خود که همانا روی آوردن به فضل و دانش است، دفاع می‌کند و زنان را از تقلید بر حذر داشته و آب رنگ مطلوب برای زن را، کسب علم و دانش می‌داند.

این اشعاری که پروین در دفاع از زن و تعریف و توصیف رابطه‌ی زن و ملاک برتری انسان‌ها سروده است عبارتند از:

۱- قطعه زن در ایران

پیشه‌اش، جز تیره‌روزی و پریشانی نبود	زن در ایران، بیش از این گویی که ایرانی نبود
زن چه بود آن روزها گر زآنکه زندانی نبود	زندگی و مرگش اندر کنج عزلت می‌گذشت
کس چو زن، در معبد سالوس، قربانی نبود	کس چو زن، اندر سیاهی قرن‌ها منزل نکرد
در دبستان فضیلت، زن دبستانی نبود	در عدالتخانه انصاف، زن شاهد نداشت
آشکارا بود این بیداد، پنهانی نبود	دادخواهی‌های زن می‌ماند عمری بی‌ثمر
در نهاد جمله گرگی بود، چوپانی نبود	بس کسان را جامه و چوب شبانی بود، لیک
سرنوشت و قسمتی، جز تنگ میدانی نبود	از برای زن، به میدان فراخ زندگی

نور دانش را ز چشم زن نهان می داشتند این ندانستن، ز پستی و گرانجانی نبود
(دیوان پروین، ۱۳۸۴).

در این قطعه پروین شرایط زنان زمانه‌ی خود را توصیف می‌کند و این شرایط را نتیجه‌ی ظلم و
اجحافی می‌داند که در حق زن صورت می‌گیرد.

۲- قطعه فرشته انس: در این قطعه پروین از حقیقتی مسلم سخن می‌گوید که قلب خانواده، زن آن خانواده
است، البته ناگفته نماند که پروین افتخار زن ایرانی را منحصر به خانه‌داری نمی‌داند بلکه زنی را دارای ارج و
شخصیت می‌داند که دارای علم و هنر باشد اما در کل در این شعر و شعر بعدی وی، می‌بینیم که پروین به
نوعی تأکید بر حضور زن در خانواده دارد و تأکید می‌کند که مردها باید این حضور را ارج نهند. این طرز فکر
پروین در این قطعه، مخالف با نظر فمینیست‌هایی است که معتقداند این حضور نوعی اسارت و ظلم در حق
زن است و در نتیجه با خانه و خانه‌داری زن مخالف‌اند.

در آن سرای که زن نیست انس و شفقت نیست در آن وجود که دل مرد، مرده است روان
به هیچ دیباچه ای قضا نوشت برای مرد کمال برای زن نقصان

...

چه زن، چه مرد، کسی شود بزرگ و کامروا که داشت میوه‌ای در باغ علم در دامان

....

همیشه فرصت ما صرف شد در این معنی که نرخ جامه بهمان، چه بوده کفش فلان

...

برای گردن و دست زن نیکو، پروین سزاست گوهر دانش نه گوهر الوان
(دیوان پروین، ۱۳۸۴: ۲۵۰).

۳- قطعه دو محضر

قاضی کشمر زمحضر، شامگاه	رفت سوی خانه با حالی تباه
هرکجا در دید بر دیوار زد	بانگ بر دربان و خدمتکار زد
کودکان را راند با سیلی و مشت	گره را با چوبدستی خست و کشت
خشم هم بر کوزه، هم بر آب کرد	هم قح، هم کاسه را پرتاب کرد
هرچه کم گفتند، او بسیار گفت	حرفهای سخت و ناهموار گفت

کرد خشم آلوده، سوی زن نگاه
تو زسرد و گرم گیتی بی‌خبر
گفت کز دست تو روزم شد سیاه
من گرفتار هزاران شور و شر
(دیوان پروین، ۱۳۸۴: ۱۴۸).

این شعر مناظره‌ی قاضی با زن خودش است که هنگام برگشت از محضر خسته و عصبانی هست و زن خودش را عامل این مشکلات خودش دانسته و بیان می‌کند که من به خاطر و برای این‌که تو در آسایش باشی دارم این همه تحمل می‌کنم زن در پاسخ همسر با خونسردی می‌گوید که تا به حال از شرایط موجود در خانه شکایتی نداشته‌ام و ندارم ولی می‌خواهم یک روز در خانه باشی و راحتی منزل را تجربه کنی من فردا از این منزل می‌روم، قاضی که روز خود را در منزل شروع کرده متوجه درگیری خادم و طبخ و فراش و دربان می‌شود، آن‌ها شکایت خود را نزد قاضی می‌برند در هنگام قضاوت دایه از مکان شیر طفل از قاضی سؤال می‌کند از طرف دیگر کنیز از محل گذاشتن نان سؤال می‌کند در این شرایط قاضی می‌بیند که اوضاع از چه قرار است تصمیم می‌گیرد به محضر برگردد و متوجه می‌شود که این آشوب از عدم وجود زن در منزل می‌باشد. در واقع هدف پروین بر ملا ساختن این واقعیت است که خانه‌داری از قضاوت بین هزاران نفر سخت‌تر است و نباید به کار خانه‌داری به دید حقارت نگریست که به سیاست و تدبیر بسیار نیاز دارد. پروین در این شعر نشان می‌دهد که نقش زن در رسیدگی به امور خانواده بسیار حیاتی و مهم است و مرد بدون همراهی زن نمی‌تواند بار زندگی را به دوش بکشد.

پروین در قطعات «زن در ایران»، «فرشته‌ی انس» و «دو محضر» برای زن حضور آگاهانه و همراه با علم و دانش را در اجتماع خواستار است و از طرف دیگر خانه‌داری و حضور در خانواده را هم رسالتی بزرگ می‌شمارد که تنها زنان از عهده‌ی آن برمی‌آیند.

این نگاه و عقیده‌ی پروین مخالف عقیده و بینش فمینیست‌های رادیکال است. فمینیست‌های رادیکال معتقداند که خانواده به منزله‌ی یکی از سرچشمه‌های اصلی ظلم و ستم بر زنان در جامعه است. استدلال آن‌ها این است که مردان با استفاده از کار زنان در خانه آن‌ها را استثمار می‌کنند. فمینیست‌های رادیکال مردان را عامل عدم دسترسی زنان به موقعیت‌های قدرت و نفوذ در جامعه می‌دانند (گیدنز، ۱۳۸۶: ۱۶۷).

۲۸ زن در فرهنگ و هنر (پژوهش زنان)، دوره ۲، شماره ۳، بهار ۱۳۹۰

شولامیت فایرستن^۲ از فمینیست‌های رادیکال معتقد است که مردان کنترل نقش‌های زنان در تولیدمثل و پرورش کودکان را در اختیار دارند، چون زنان هستند که به لحاظ زیست‌شناختی قادرند کودکان را به دنیا بیاورند، از نظر مادی و برای تأمین معاش و حمایت به مردان وابسته می‌شوند، این نابرابری «زیست‌شناختی» در خانواده‌ی هسته‌ای به صورت یک سازمان اجتماعی درمی‌آید (فایرستن، ۱۹۷۱).
در نهایت فایرستن بیان می‌کند که زنان فقط از طریق انحلال خانواده و روابط قدرت موجود در آن می‌توانند به رهایی برسند (همان).

همان‌طور که گفته شد این نوع تبیین نابرابری جنسیتی، مخالف بینش پروین است زیرا پروین معتقد است که خانواده نمی‌تواند عامل اساسی در عقب‌ماندگی زنان در جامعه باشد. وی در قطعاتی که بیان شد نقش مادری و نقش زن در خانواده را می‌ستاید و تأکید می‌کند که زنان علاوه بر خانواده، می‌توانند با کسب علم و دانش در عرصه‌های عمومی و اجتماعی نقش ایفا کنند.

جلوه‌های نابرابری طبقاتی

پروین اعتصامی نابرابری‌های جور و ستم زمامداران و حکومتگران عصر خود را لمس کرده و با همه جوانی با شمشیر قلم و بیان در میدان نبرد، با قامتی استوار و قدم‌های متین ایستاده است (چاوش‌اکبری، ۱۳۷۸). پروین در کلمه‌ی انسان‌دوستی خلاصه می‌شود او یک شاعر انسان‌گراست و از انسان مظلوم دفاع می‌کند و به ظالم می‌تازد.

پروین با مطالعه‌ی شاهکارهای ادبی اروپا در مجله‌ی بهار و با تسلط بر زبان انگلیسی به منابع زیادی از تاریخ دست یافت و دید که شاهان در ادوار مختلف بزرگترین ستمی که روا داشته‌اند آن بوده که ثروت‌ها را به قهر تصاحب کرده و بر زیور خود افزوده‌اند. پروین به مظلومیت جهان بشریت می‌اندیشد و نژاد و کیش و ملیت و حتی زمان برای او مطرح نیست و هر فرد به هر زبان و هر کجا باشد برای او محترم و دفاع از او را بر خود واجب می‌دانسته است.

^۲. Firestone

نابرابری‌های جنسیتی و طبقاتی در اندیشه‌های پروین اعتصامی ۲۹

پروین در بیان انتقادهای خود زبان کنایه و غیرمستقیم را برمی‌گزیند و از برخورد مستقیم با حکمان و ظالمان عصر خود خودداری می‌کند. در این شعر ستم‌ستیزی پروین و ظلم و ستم طبقه‌ی حاکم بر رعیت مشاهده می‌شود.

روز شکار، پیرزنی به قباد گفت	که از آتش فساد تو جز درد و آه نیست
روزی بیا به کلبه‌ی ما از ره شکار	تحقیق حال گوشه‌نشینان نگاه نیست
هنگام چاشت، سفره‌ی بی‌نان ما ببین	تا بنگری نام و نشان از رفاه نیست
دزد لحاف برد و شبان گاو پس نداد	دیگر به کشور تو، امان و پناه نیست
از تشنگی، کدو بنم امسال خشک شد	آب قنات بردی و آبی به چاه نیست

...

ویرانه شد ز ظلم تو، هر مسکن و دهی یغماگر است چون تو کسی، پادشاه نیست

(دیوان پروین، ۱۳۸۴: ۱۸۶).

برخی از اشعار پروین تصویر چیره‌دستانه‌ی ستمی است که صاعقه‌وار بر عرصه‌ی حیات انسان و سرزمین او افتاده و تمام زوایای پیدا و پنهان آن راه، از ادب و آداب اجتماعی گرفته تا خوی و خصلت فردی را به آتش کشیده است و پروین پیوسته بر آن بود که با گستردن دانایی و درستی آبی بر آتش تباهی گستر آن بریزد و حیات انسانی را زندگی و طراواتی دوباره ببخشد.

قطعه‌ی «صاعقه‌ی ما، ستم اغنیاست» تنها شعر نیست، تاریخ است، واقعیت است، یک نقاشی صحیحی از وضع زندگی طبقاتی در ایران است که در آن نه تنها وضع دهقان بلکه وضع عموم رنجبران کشور در برابر ظالمان و مالکان تشریح شده است.

صاعقه‌ی ما، ستم اغنیاست

برزگری پند به فرزند داد	که ای پسر این بیشه پس از من تو راست
مدت ما جمله به محنت گذشت	نوبت خون خوردن و رنج شماس

...

راستی آموز بسی جو فروش	قسمت در این کوی که گندم نماست
نان خود از بازوی مردم نخواه	گر که بازوی زور آزماست

پسر در جواب پیر چنین می‌گوید:

صاعقه‌ی ما، ستم اغنیاست
گفت چنین کان پدر نیک رای
قسمت ما درد و غم را ابتلاست
پیشه آنان همه آرام و خواب

...

از غم باران و گل و برف و سیل
قامت دهقان به جوانی دو تاست
سفره ما از خورش و نان تهی است
در ده ما، بس شکم ناشتاست

...

پیر جهان دیده بخندید کاین
زنان، ستم و جور و تعدی رواست
گشته حق کارگران پایمال
بر صفت غله که در آسیاست

(دیوان پروین، ۱۳۸۴: ۱۸۶).

این قطعه‌ی پروین، نابرابری‌های اقتصادی و طبقاتی جامعه را بیان می‌کند و این که نسبت به این نابرابری‌ها، باید آگاه بود و در مقابل طبقه‌ی سلطه‌گر، باید به پا خاست. این قطعه نظریات مارکس و پیروان وی را یادآوری می‌کند که می‌گویند؛ طبقه‌ی محکوم می‌باید به آگاهی برسد و از طبقه‌ی درخود به طبقه‌ی برای خود تبدیل شود. آنتونی گرامشی (جامعه‌شناس ایتالیایی) بیان می‌کند که این رسالت روشن‌فکران است که آگاهی طبقاتی را در طبقه‌ی کارگر شکل دهند تا طبقه‌ی کارگران و محرومان جامعه با دست‌یابی به این آگاهی طبقاتی، دست به انقلاب بزنند (ریتزر، ۱۳۸۴: ۱۹۸). پروین نیز رسالت خود را آگاهی دادن به جامعه می‌داند. بر این اساس می‌توان پروین را در زمره‌ی روشن‌فکران قرار داد روشن‌فکری که در قبال جامعه احساس مسئولیت می‌کند و با بیان شعری به مبارزه با نابرابری‌ها برمی‌خیزد. پروین در قطعه‌ی «ای رنجبر» خطاب به رنجبران نه تنها آن‌ها را با حقوق حقه‌ی خود آگاه می‌کند (جدی، ۱۳۸۴: ۱۴) بلکه آن‌ها را از تحمل این همه ظلم و ستم بر حذر می‌دارد و این را می‌توان از نشانه‌ی ظلم‌ستیزی و انقلابی بودن پروین دانست. در این شعر می‌خوانیم که:

تا به کی جان‌کندن اندر آفتاب؟ ای رنجبر!
ریختن از بهر نان از چهره آب؟ ای رنجبر!
زین همه خواری که بینی ز آفتاب و خاک و باد
چیست مُردت جز نکوهش یا عتاب؟ ای رنجبر!
از حقوق پایمال خویشتن کن پرسشی
چند می‌ترسی ز هر خان و جناب؟ ای رنجبر!

....

نابرابری‌های جنسیتی و طبقاتی در اندیشه‌های پروین اعتصامی ۳۱

جامه‌ها شوخ است و رویت تیره‌رنگ از گرد و خاک
از تو می‌بایست کردن اجتناب، ای رنجبر!
هر چه بنویسند حکام اندرین محضر رواست
کس نخواهد خواستن زیشان حساب، ای رنجبر!
(دیوان پروین، ۱۳۸۴: ۱۸۶).

در قطعه‌ی «اشک یتیم» نیز پروین به صراحت چپاول‌داری و دستاوردهای طبقه‌ی غیرحاکم جامعه را به دست طبقه‌ی حاکم و تقسیم غیرعادلانه‌ی ثروت و اختلاف شدید طبقاتی را به تصویر می‌کشد و کنایه‌آمیز شرایط جامعه‌ی دوران خود را توصیف می‌کند.

روزی گذشت پادشهی از گذرگهی
فریاد شوق بر سر هر کوی و بام خواست
پرسید زان میان یکی کودکی یتیم
کاین تابناک چیست که بر تاج پادشاست
آن یک جواب داد چه دانیم ما که چیست
پیداست آن قدر که متاعی گران‌بهاست
نزدیک رفت پیرزنی گوژپشت و گفت
این اشک دیده‌ی من و خون دل شماست
ما را به رخت چوب شبانی فریفته است
این گرگ سال‌هاست که با گله آشناست
(دیوان پروین، ۱۳۸۴: ۹۳).

در یکی دیگر از اشعار پروین، وی به زیبایی مناظره‌ی «دو قطره‌ی خون» را به تصویر کشیده که به نوعی نماینده‌ی دو طبقه‌ی مختلف در جامعه هستند یکی قطره‌ی خونی است که از دست تاجوری (نماد ثروتمندان جامعه) چکیده و دیگری قطره‌ی خونی است که از پای خارکنی (نماد محرومان جامعه) چکیده است.

شنیده‌ای میان دو قطره خون چه گذشت
گه مناظره، یک روز بر سر گذری
یکی بگفت به آن دیگری، تو خون که ای
من افتاده‌ام از دست تاجوری

اما دو قطره‌ی کوچک چه کار خواهد ساخت
بیا شویم یکی قطره بزرگتری

به راه سعی و عمل با هم اتفاق کنیم
که ایمنند چنین رهروان ز هر خطری
خون خارکن در پاسخ می‌گوید:

بخنده گفت، میان من تو فرق بسی است
تویی که زدست شهی، من ز پای کارگری
برای هم‌رهی و اتحاد با چو منی
خوش است اشک یتیمی و خون رنجبری
تو از فراغ دل و عشرت آمدی به‌وجود
من از خمیدن پستی و زحمت کم‌ری

یتیم و پیره زن این قدر خون دل نخورند	اگر به‌خانه‌ی غارتگری فتنه شری
به حکم ناحق هر سفله، خلق را نکشند	اگر ز قتل پدر، پرسشی کند پسری
درخت جور و ستم، هیچ برگ و بار نداشت	اگر که دست مجازات، میزدش تبری
سپهر پیر، نمیدوخت جامه‌ی بیدار	اگر نبود ز صبر و سکوتش آستری
اگر که بدمنشی را کشند بر سر دار	به جای او ننشیند به زور از او بتری

(دیوان پروین، ۱۳۸۴: ۲۷۲).

در این شعر پروین به این نکته اشاره می‌کند که اتحاد دو طبقه‌ی ظالم و مظلوم در حالی که بین آن‌ها رابطه‌ی نابرابر برقرار است امکان‌پذیر نیست. از طرف دیگر در پایان این شعر انقلابی‌ترین پیام‌های پروین را می‌توان به وضوح مشاهده کرد که پروین به طبقه‌ی مظلوم جامعه گوشزد می‌کند که آن‌ها باید دست به کار شوند و علیه ظلم به پا خیزند و صبر پیشه نکنند و از سرنوشت خود سؤال کنند و اسیر قضا و قدر نباشند.

این نظر پروین یادآور این نظر جورج زیمل است که می‌گوید: «هر سنخ اجتماعی محصول واکنش‌ها و توقعات دیگران است به عنوان مثال فقیر به عنوان یک سنخ هنگامی فقیر محسوب می‌شود که نه تنها جامعه‌ی افرادی را ملزم به دستگیری از وی کند بلکه آن فقیر نیز دستگیری افراد جامعه را بپذیرد» (کوزر، ۱۳۸۳: ۲۴۵).

پروین نیز معتقد است حکومت‌های خودکامه تنها حاصل طبع حاکمان نیست بلکه وجود چنین کسانی به عنوان یک سنخ ناشی از طرز تلقی و رفتار متقابل توده‌ها نیز هست که تن دادن زبردستان به چنین شرایطی و عدم اقدام آن‌ها در جهت تغییر وضع موجود، خود عاملی در استمرار و توسعه‌ی دامنه‌ی قدرت و خودکامگی حاکمان است که در شعر مناظره‌ی قبلی نیز پروین عدم کاربرد تبر مجازات را توسط عامه می‌داند. در این شعر پروین راه نجات رنجبران را انقلاب و قیام دانسته و به وضوح گفته که برای قطع ریشه‌ی ظلم باید عملاً به پا خواست.

نتیجه‌گیری

در مجموع می‌توان چنین گفت که دو نوع نابرابری که در جامعه نظر پروین را به خود جلب کرده است، نابرابری جنسیتی و نابرابری طبقاتی است، ولی نابرابری طبقاتی بیشتر نظر پروین را به خود جلب کرده است. پروین نابرابری جنسیتی را آن قدر در جامعه‌ی خودش حاد نمی‌دید. این امر می‌تواند به دلیل شرایط اجتماعی دوره‌ی پروین بوده که به خاطر وقایع سیاسی فراوانی که در دوره‌ی زندگی اتفاق افتاد

نابرابری‌های جنسیتی و طبقاتی در اندیشه‌های پروین اعتصامی ۳۳

و مشکلات اجتماعی که جامعه با آن دست و پنجه نرم می‌کرده و یا شاید هم در مقابل نابرابری‌های عظیم اجتماعی، نابرابری‌های جنسیتی برای او مسئله‌ی فرعی محسوب می‌شده است. از دیدگاه پروین زن می‌تواند نقش کلیدی و مهمی در اجتماع و خانواده داشته باشد. خویشتن‌داری، تقوا و عفاف زن نگاه‌دارنده‌ی پایه‌های خانواده و در نتیجه، پرورنده‌ی انسان‌های والا و بزرگ است. وی معتقد است که همه‌ی بزرگان تاریخ نخست در گهواره‌ی مادر آرمیده‌اند و سپس توانسته‌اند پله‌های بزرگی و حکمت را بپیمایند (محمدی، ۱۳۸۷: ۴).

بزرگ بوده پرستار خردی ایشان	اگر فلاطن و سقراط بوده‌اند بزرگ
سپس به مکتب حکمت حکیم شد لقمان	به گهواره‌ی مادر به کودکی بس خفت
شدند یکسره شاگرد این دبیرستان	چه پهلوان و چه سالک، چه زاهد و چه فقیه

(دیوان پروین، ۱۳۸۴: ۲۰۶).

کج‌خلقی، زیاده‌خواهی، کج‌روی، خودآرایی و افتخار به زر و زیور، زینده‌ی زن نیست، بلکه فضیلت و علم دانش بهترین زیور برای زن است (محمدی، ۱۳۸۷: ۵).

در اشعار پروین می‌توان چنین برداشت کرد که وی ریشه‌ی ستم جنسیتی را نادانی دانسته و راه رهایی از این شرایط را تلاش زنان برای کسب علم و دانش و فضیلت می‌دید.

چه دیبه‌ای است نکوتر ز دیبه‌ی عرفان	چه حله‌ای است گران‌تر حلیت دانش
ز رنگ جامه‌ی زریفت و زیور رخشان	چو آب و رنگ فضیلت به چهره نیست چه سود
سزاست گوهر دانش نه گوهر الوان	برای گردن و دست زن نکو پروین

(دیوان پروین، ۱۳۸۴).

بر خلاف فمینیست‌ها که معتقداند خانه و خانه‌داری قفسی است که مردها برای زن‌ها ساخته‌اند، پروین در اشعارش، تجلیل از مقام مادری و همسری و تشویق دانش‌اندوزی به منظور تربیت فرزندان شایسته می‌کند.

مری و لستون کرافت که از فمینیست‌های موج اول است در کتاب خود «استیفای حقوق زنان» (۱۷۹۲)، آموزش و محرومیت از آموزش را عامل فرودستی زنان اعلام کرده است (ابوت و والاس، ۱۳۸۰). پروین نیز هم عقیده با کرافت بر دانش و آموزش برای ارتقای اجتماعی زنان تأکید می‌کند.

۳۴ زن در فرهنگ و هنر (پژوهش زنان)، دوره ۲، شماره ۳، بهار ۱۳۹۰

در شعر پروین، نه ترویج فرهنگ بی‌حجابی است و نه گِلِه‌ی شکایت از پوشش اسلامی، بلکه او همه‌جا طرفدار فضیلت، اخلاق و معنویت و مشوق تحصیل علم و برتری علمی زنان است (محمدی، ۱۳۸۷: ۷) و این عقاید در بسیاری از اشعار پروین نمایان است.

پروین دوست‌دار انسان و به‌خصوص کسانی است که نظام موجود اجتماعی آن‌ها را بدبخت کرده است، دوست‌دار کارگران و دهقانان، زجرکشیدگان و داغ‌نفرت خوردگان اجتماع خود است. به همین خاطر است که بیشترین و بهترین اشعار وی را این‌گونه اشعار تشکیل می‌دهند. در این قطعات و اشعار ما با دهقان ستم‌کش، کارگر، کودک یتیم برمی‌خوریم و پروین را خون‌خواه و دادخواه می‌بینیم که کاوه‌وار بر سر ضحاک‌ها می‌خروشد.

پروین علت نابرابری طبقاتی را هم ظلم حکام و هم تمایل توده به حفظ وضع موجود می‌دانسته که راه‌هایی از این شرایط را هم انقلاب و براندازی ظلم و ستم و اصلاح ساختار می‌دانست. این دیدگاه، پروین را به صاحب‌نظران تضاد در بحث نابرابری‌های اجتماعی نزدیک‌تر می‌کند زیرا پروین رسالت روشن‌فکری و آگاهی‌دادن به جامعه را برای خود قائل بوده و مردم و توده‌های ضعیف را به مبارزه علیه نابرابری فرار می‌خواند.

منابع

- ابوت، پلا و دیگران (۱۳۸۰) جامعه‌شناسی زنان، ترجمه‌ی منیژه نجم‌عراقی، تهران: نشر نی.
- (۱۳۷۶) درآمدی بر جامعه‌شناسی نگرش‌های فمینیستی، ترجمه‌ی مریم خراسانی و حمید احمدی، تهران: انتشارات دنیای مادر.
- آوندی، مرتضی (۱۳۷۴) تاریخ اجتماعی ایران، تهران: انتشارات نگاه، جلد هشتم.
- آراسته‌خو، محمد (۱۳۸۱) نقد و نگرش بر فرهنگ اصطلاحات اجتماعی، علمی، تهران: انتشارات چاپخش، چاپ اول.
- جدی، اسماعیل (۱۳۸۴) «ستم‌ستیزی پروین اعتصامی»، فصلنامه‌ی ادبیات فارسی، شماره ۳.
- چاوش‌اکبری، رحیم (۱۳۷۸) زندگی و شعر پروین اعتصامی، تهران: انتشارات ثالث.
- دیوان پروین اعتصامی (۱۳۸۴) تهران: نشر یاد عارف، چاپ اول.
- دبیران، حکیمه (۱۳۷۴) پروین، اخترآزادگی، مجله‌ی فرهنگ، شماره ۱۶.
- ریتزر، جورج (۱۳۸۴) نظریه‌ی جامعه‌شناسی در دوران معاصر، تهران: انتشارات علمی.
- شریعت، محمدجواد (۱۳۶۶) پروین ستاره آسمان ادب ایران تهران: انتشارات مشعل.
- شریعت‌ناصری، زهره (۱۳۸۳) «نگاهی به زندگی‌نامه‌ی پروین اعتصامی»، تهران مجله‌ی بانوان شیعه، شماره ۱.

نابرابری‌های جنسیتی و طبقاتی در اندیشه‌های پروین اعتصامی ۳۵

- کمالی، علی (۱۳۷۹) مقدمه‌ای بر جامعه‌شناسی نابرابری‌های اجتماعی، تهران: انتشارات سمت.
- کوزر، لوئیس (۱۳۸۳) زندگی و اندیشه‌ی بزرگان جامعه‌شناسی، ترجمه‌ی محسن ثلاثی، تهران: انتشارات علمی.
- کوئن، برویس (۱۳۸۶) درآمدی بر جامعه‌شناسی، ترجمه‌ی محسن ثلاثی، تهران: نشر توتیا.
- گرت، استفانی (۱۳۸۵) جامعه‌شناسی جنسیت، ترجمه‌ی کتابیون بقایی، تهران: نشر دیگر.
- گیدنز، آنتونی (۱۳۸۶) جامعه‌شناسی، ترجمه‌ی حسن چاوشیان، تهران: نشر نی.
- محمدی، فاطمه (۱۳۸۷) «پروین اعتصامی شاعر فضیلت و انسانیت»، فصلنامه‌ی بانوان شیعه، سال پنجم، شماره ۱۵.

